

متن زیر، با امضای مشترک رائول ونه‌گم، و دوست یونانی تبارش، یانیس یولانتاس، که نویسنده و فیلسوف است، در روزنامه‌ی لیبراسیون در فرانسه، به تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۱۲ منتشر شد.

یونان، گهواره‌ی جهانی دیگر

در پشتیبانی از نبرد مردم یونان و برای آزادی بی‌درنگ تظاهرکننده‌گانی که زندانی شده‌اند.

نه، آن‌چه در یونان می‌گذرد، هرچند دراماتیک است، یک فاجعه نیست. حتا یک شانس است. زیرا قدرت پول، برای نخستین‌بار ریتیم تخریب اموال عمومی و ارجح انسانی را، که تاکنون گام‌به‌گام، ریزبینانه و عالمانه سازمان یافته بود، سبکسرانه پشت‌سر نهاده است. آن هم در سرزمینی که هم به خاطر فلسفه‌ی زندگی‌اش، که در قطب مخالف الگوی آنگلو‌ساکسونی است، شهرت دارد و هم به خاطر مقاومت خستگی‌ناپذیرش در برابر ستم‌گری‌های متعددی که قصد از پای انداختن‌اش را داشته‌اند. یونان، هر نوع رژیم‌ی هم که به او تحمیل کنند، به ساز رژه رفتن و کمر خم کردن نمی‌رقصد و نخواهد رقصید. یونان با بلند کردن بازوان، همچون پروازی به سوی ستارگان، می‌رقصد. یونان بر روی دیوارها چیزی را می‌نویسد که دوست دارد جایی دیگر بخواند. یونان آنگاه بانکی را به آتش می‌کشد که دیگر امکانی برای برپا کردن کباب‌های سنتی‌اش برای او باقی نگذاشته باشد. یونانی همان‌گونه زنده است که ایده‌ئولوژی‌ای که او را تهدید می‌کند مرگ‌بار است. و یونانی، حتا زیر ضرب و شتم نیز، سرانجام همواره باز برمی‌خیزد.

آری، اروپای امور مالی خواست از یونان سرمشقی بسازد. اما، در خشم و غضب برای کوبیدن بر سر کشوری که به نظرش ضعیف‌ترین کشور منطقه‌ی یورو بود، در خشونت بی‌اندازه‌اش علیه این کشور، نقاب از چهره‌اش افتاد. اکنون بیش از همیشه زمان آن رسیده تا چهره واقعی این اروپای مالی را انگشت‌نمای همگان کنیم: چهره‌ی توتالیتریسم را. زیرا موضوع همین است. و در برابر توتالیتریسم تنها یک پاسخ وجود دارد: مبارزه‌ی پیگیر و بدون کوتاه آمدن، و حتا در صورت لزوم، نبرد تمام‌عیار، زیرا پای هستی و زندگی در میان است. ما جهان، زندگی و ارزش‌هایی داریم که باید ازشان دفاع کنیم. همه‌جا، در کوچه و خیابان این برادران، خواهران، فرزندان، پدران و مادران ما هستند که در برابر چشم ما، حتا اگر دور باشیم، مورد ضرب و شتم‌اند. ما به همراه آن‌ها گرسنگی، سرما و درد می‌کشیم. ضربه‌هایی که بر آن‌ها می‌زنند ما را نیز زخمی می‌کند. هر کودک یونانی که در حیاط مدرسه‌اش از هوش می‌رود ما را به به ابراز خشم و شورش فرامی‌خواند. برای یونانی‌ها زمان نه گفتن فرا رسیده، و برای همه‌ی ما زمان پشتیبانی از آنها.

زیرا یونان امروزه در نوک نبرد علیه توتالیتریسم مالی ایستاده است، توتالیتریسمی که در سراسر جهان امکانات عام‌المنفعه را از بین می‌برد، بقای روزمره را تهدید می‌کند، ناامیدی، ترس و جنگ حماقت‌بار همه با همه را اشاعه می‌دهد. فراسوی خشم عاطفی که با ویران کردن نمادهای ستم طغیان خود را نشان می‌دهد، خشم بصیرت‌مندانه‌ای گسترش می‌یابد، خشم مقاومت‌کنندگانی که حاضر نیستند به سود مافیاهای بانکی و منطق جنون پول‌شان صاحب زندگی خود نباشند. با تشکیل مجامع و گردهمایی‌ها در راستای دموکراسی مستقیم، نافرمانی مدنی، جنبش «عدم پرداخت» و نخستین تجارب خودگردانی، یونان نوین دیگری دارد زاده می‌شود که جباریت کالایی را به نام انسانیت رد می‌کند. ما نمی‌دانیم چقدر زمان لازم است تا مردمان از بندگی اختیاری‌شان رها شوند، اما با اطمینان می‌توان گفت که، در برابر وضع مسخره‌ی کلیانتریسم و مریدپروری سیاسی، در برابر دموکراسی‌های فاسد و کلی‌منشی وقیحانه‌ی دولت بانکستر bankster، ما فقط این انتخاب را می‌توانیم بکنیم که در برابر گردانندگان امور مالی، خود امور خود را بگردانیم.

یونان گذشته‌ی ماست. یونان آینده‌ی ما هم هست. همراه با یونان این آینده را از نو ابداع کنیم.

در سال ۲۰۱۲ همه یونانی باشیم!